

## بررسی جایگاه اصل دعوت در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بهادر زارعی\*

استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۹/۹/۹۱ - تاریخ تصویب: ۱۹/۱۰/۹۱)

چکیده:

اصل دعوت در اسلام که به معنای رساندن، تبلیغ و یا ابلاغ پیام وحی و فرامین الهی به همه افراد بشر است؛ جایگاهی رفیع در دیپلماسی اسلام به خود اختصاص داده است. پیامبر اسلام از سال ششم هجرت شروع به اجرایی کردن اصل دعوت با نگاشتن نامه هایی به امپراطوری ها و قدرت های پیرامونی خود کرد. در ایران پس از شکل گیری جمهوری اسلامی یکی از مؤلفه های مهم تأثیرگذار و تقریباً ثابت در تمام نشست های بین المللی، منطقه ای و بیان دیدگاههای رسمی دولت مردان در کشور و یکی از اصول ثابت دستگاه دیپلماسی کشور به شمار می آید. این اصل در ابتدا بوسیله امام خمینی در کتب فقهی خود و پس از شکل گیری جمهوری اسلامی در این دوره بوسیله ایشان تعقیب و بعد از آن بوسیله آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران و در حال حاضر با شدت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

دعوت، اسلام، قرآن، امام خمینی، دیپلماسی ایران، تبلیغات.

Email: b.zarei@ut.ac.ir

\* فاکس: 66401894

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در این مجله منتشر شده است:

"تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام"، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰.

## مقدمه

اصل دعوت در اسلام به معنی ابلاغ پیام وحی و فرامین الهی به آحاد مردم و در حقیقت از ابتدایی ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی است. دعوت از احکام منصوصه اسلام جزء ضروریات دین است و در تقسیم بندی فقهی جزء مسایل عبادی محسوب می شود. اصل دعوت از اصول اولیه و بنیادین دیپلماسی و رفتارسیاسی دولت اسلامی است. می توان گفت پایه و ستون اساسی دیپلماسی اسلامی را اصل دعوت تشکیل می دهد. به همین دلیل، این اصل با مفهوم خاص قرآنی خود از جمله ی اصولی ترین راهبردهای پیامبر اکرم (ص) و جانشینان وی در روابط و مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع و دول مختلف عصر خود بوده است. در این پژوهش تلاش شده است تا به اختصار اصل دعوت در زمان پیامبر اسلام مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. از سال ششم تا سال یازدهم هجرت محور اصلی پیامهای پیامبر اسلام به رؤسای قبایل و سران حکومتها و امپراطوریها دعوت به اسلام و بسترسازی برای گسترش هر چه بیشتر این آیین آسمانی و آشنا کردن جهانیان با شیوه زندگی نو همراه با معنویت و ارزش های والای انسانی بوده است. در بخش دیگر این پژوهش به بررسی قواعد و شیوه های دعوت اسلامی پرداخته شده است. از موضوعات دیگر که این پژوهش به آن اهتمام ورزیده، جایگاه اصل دعوت در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از وظایف مهم دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه عمل تلاش برای پیشبرد اسلام و ارزش های توحیدی اسلامی در جهان بوده است. بنابراین، اصل دعوت در رفتار سیاسی دولت و روابط خارجی ایران به دلیل خصلت اسلامی بودن نظام دارای مسئولیت دینی و جایگاهی وثیق است. راهبرد دعوت در اندیشه و رفتار سیاسی دولت مردان ایران پس از شکل گیری جمهوری اسلامی در سخنان رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله خامنه ای در چهل و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل و در دوره رهبری ایشان در مناسبت های مختلف یکی از اصول پایدار دیدگاه وی در خصوص مسائل منطقه ای و بین المللی می توان به وضوح مشاهده کرد. بنابراینچه گذشت فرضیه تحقیق به شرح ذیل تدوین شده است: «به نظر می رسد با توجه به ماهیت اسلام و ساختار عقیدتی - فکری نخبگان تصمیم ساز نظام جمهوری اسلامی ایران اصل دعوت یکی از مؤلفه های مهم و تأثیر گذار در راهبرد سیاست خارجی کشور طی این سه دهه بوده است».

## اسلام، حکومت اسلامی و اصل دعوت

از مهم ترین و در حقیقت از ابتدایی ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی دعوت غیرمسلمین به اسلام است. دعوت از احکام منصوصه اسلام جزء ضروریات دین و در تقسیم

بندی فقهی جزء مسایل عبادی محسوب می شود. دعوت در لغت به معنی خواندن، راه کردن، راهنمایی و رهبری است. در اسلام این کلمه به معنی عرضه تبلیغ یا ابلاغ پیام وحی و فرامین الهی به آحاد مردم و تبیین ضرورت حاکمیت نظام واحد آسمانی بر جهان هستی و ترغیب مخلوقات بشری به قبول این حاکمیت به عنوان تنها راه نیل به رستگاری و سعادت انسان در جهان مادی و سرای آخرت یا در یک مفهوم کلی دعوت کل جهان بشری به سر منزل صلاح و رستگاری است (غفوری، ۱۳۸۷: ۷۸). در مجموع واژه های دعوت و تبلیغ در فرهنگ اسلامی حاوی اهداف یکسان مترادف هم و به یک صورت مورد استفاده قرار می گیرند. بطوری که ابلاغ رسالت الهی به صورت دعوت و تبلیغ انجام می پذیرفته است.

اصل دعوت از اصول اولیه و بنیادین دیپلماسی و رفتارسیاسی در نظام اسلامی است. به بیان دیگر می توان گفت پایه و ستون اصلی دیپلماسی اسلامی را دعوت تشکیل می دهد. از سال ششم هجری، پیامبر اسلام با انعقاد قرارداد صلح حدیبیه و فراغت از کار قریش، مانع اصلی پیشرفت اسلام برطرف شد و فصلی جدید در دیپلماسی پیامبر (ص) آغاز شد و روابط بین دولی آن دوره در شکلی گسترده وارد مرحله ای نوین شد و رسول خدا با ارسال پیام هایی به سران حکومت های بزرگ و قدرتهای آن زمان، و با دعوت آنان گامی مؤثر در گسترش پیام الهی و حاکمیت قانون خداوند بر زمین برداشت. بی شک، ارسال پیام در ایجاد مناسبات انسانی و صلح آمیز و روابط حسنه و ایجاد آرامش در قلمرو اسلام نقشی بسزا داشته است؛ اگر چه مضامین پیام ها متفاوت و گوناگون است؛ ولی اصل ارسال پیام می توانسته در تثبیت روابط حسنه و تقویت مناسبات انسانی بسیار مهم باشد (زنجانی ۱۳۷۹: ۳۴۲). یکی از برنامه های اساسی و ثابت پیامبر اسلام (ص) در طول بیست و سه سال رسالتش این بود که همواره قبل از بر پا داشتن جهاد ابتدایی به دستور خداوند و به منظور برچیدن شرک و کفر در سرزمین وحی، کفار را دعوت به سوی حق و آیین توحیدی اسلام فرا می خواندند. رسالت جهانی و عالم گیر اسلام در نامه های متعدد نبی اکرم به سران قبایل، حاکمان و حکومت های بزرگ آن زمان کاملاً هوید است. محور اصلی پیامهای پیامبر اسلام به رؤسای قبایل و سران حکومت ها و امپراتوریهای دعوت به اسلام و بستر سازی برای گسترش هرچه بیشتر این آیین آسمانی و آشنا کردن جهانیان با شیوه زندگی نو همراه با معنویت و ارزش های والای انسانی بوده است. هر کدام از این پیام ها حاوی اختصاصات و ویژگی هایی منحصر به فرد از جمله خدامحوری، جهانی اندیشی، انسان نگری و رسالت جهانی اسلام بوده که دیپلماسی و رفتار سیاسی حکومت اسلام باید حامل چنین اصول، قواعد و ارزش هایی دور اندیشانه برای پیشبرد اهداف و برنامه های خود باشد. به همین دلیل این اصل با مفهوم خاص قرآنی خود از جمله ی اصولی ترین راهبردهای پیامبر اکرم (ص) و جانشینان او در روابط و مناسبات

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع و دول مختلف عصر خود است. دعوت خلق به سوی الله نخستین و ضروری ترین وظیفه ای است که در تمامی ادیان الهی در تمام شرایط مکانی و زمانی به عنوان زیر بنای رسالت انبیاء به شمار می رود. به یقین ضرورت حاکمیت نظام واحد الهی بر جهان و تشویق همگان به قبول حاکمیت به منزله ی تنها راه رستگاری و سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت می باشد (حقیقت، ۳۸۸: ۱۸۰). دعوت، از احکام منصوصه اسلام بوده و در دستورات صریح قرآن مورد تأکید است. فقهای اسلام دعوت را در ضمن مطالب مربوط به جهاد مورد بحث قرار می دهند. در فقه اسلامی کلمه ی دعوت با توجه به ویژگی هایی که به آنها اشاره می شود به عنوان یک اصل شناخته می شود: ۱. اساس و مبانی مورد تبلیغ و دعوت باید مشخص باشد؛ ۲. احکام و قوانین آن مبتنی بر تکلیف و وظیفه باشد؛ ۳. آغاز آن از توحید و سپس از نبوت باشد؛ ۴. با قرآن و سنت تعارضی نداشته باشد. بنابراین برغم نظر بسیاری از مستشرقین غربی، دعوت اسلامی امری صوری و نیز مبنای دیپلماسی اسلام، زور و قدرت نظامی نیست. بلکه با داوری عالمانه ملاحظه خواهیم کرد که دیپلماسی حکومت اسلامی طبق میل و اراده اشخاص و در قالب اصل دعوت تجلی می یابد. قرآن دعوت را راهی مبتنی بر استدلال، خیر خواهی، اقناع و امری منطقی و منطبق بر اصل آزادی و اختیار انسان تلقی می کند و آن را مداخله در امور اختصاصی دیگران نمی شمارد (حمیدالله، ۱۳۸۳: ۸۲).

### قواعد و شیوه های دعوت در دیپلماسی اسلامی

از جمله زیباییهای دین اسلام از ابتدا تاکنون در این است که مطابق با فطرت بشر نازل شده و با توجه به فطرت انسان ها حکم می کند و به دنبال تأمین نیازهای فطری انسان است. لذا وقتی می خواهد مردم را به سوی خود دعوت کند باز بر اساس فطرت و روحیه متفاوت انسان ها عمل کرده و شیوه هایی متفاوت را برای تبلیغ و دعوت بر آمده از نص قرآن کریم تجویز می کند. این شیوه ها عبارتند از: الف. حکمت؛ ب. موعظه حسنه؛ ج. جدال نیکو؛ د. عمل (شکوری، ۱۳۶۷: ۴۳۲).

دعوت غیر مسلمین به اسلام از ابتدایی ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی است (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۷). در سوره نحل آیه ۱۲۵ آمده است: ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن / «دعوت کن مردم را به پروردگارت با حکمت و یا پند زیبا و مناظره کن با آنان از نیکوترین راه، به راستی که خداوند دانا ترین است نسبت به آنان که گمراه شده اند و هم او دانا ترین است نسبت به حال هدایت یافتگان» (بقره، آیه ۲۰۶). اسلام تحمیل عقیده را نفی و طرد می کند؛ بلکه تبلیغ عقیده را لازم و ضروری می داند. «لا اکراه فی الدین قد تبین ...» از این رو نمی توان گفت اسلام می خواهد پیروان دیگر مکاتب و

ادیان را به قدرت اسلحه از میان بردارد و به زور سلاح، عقیده خود را تحمیل کند؛ بلکه بر عکس مسلمانان موظف هستند نخست به تبلیغ اسلام و دعوت مردم به پذیرش آن پردازند. همانطور که اصلاح امور جامعه اسلامی با اعمال اصل امر به معروف و نهی از منکر میسر است. طبیعتاً اصلاح جامعه بشری هم باید با همین اصل آغاز شود. بنابراین، دعوت دیگران به اصلاح و توصیه به اعمال نیک گرایشی به سوی حق تعالی جزئی از وظایف مجریان سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی دولت اسلامی است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۷۸).

تا آنجا که به اصل دعوت مربوط می‌شود، شاخص های بنیادین دیپلماسی حکومت اسلامی باید بر مبنای سازگاری و دوستی با علاقه مندان دین خدا و خصومت با معاندین خداوند، اعتقاد به کتب، اصالت دادن به ملت ها استقامت و پایداری در مقابل مستکبرین و دشمنان اسلام، انعطاف و نرمش در برابر مؤمنان و نیز خصایلی چون عدالت، رازداری، صداقت، واقع گرایی و پایبندی به وفای عهد متکی باشد. لذا کاربرد اصل دعوت در تدوین سیاست خارجی دولت اسلامی در همین قالب می‌گنجد. بدین سان، در تنظیم روابط خارجی و سیاست برون مرزی اسلام، دعوت فریضه ای مستمر و اجتناب ناپذیر جلوه می‌کند.

### جایگاه دعوت در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب و با شکل گیری جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی که عمدتاً فقهای اسلامی و با نظارت امام خمینی (ره) در تدوین آن نقش اساسی داشتند؛ محتوا و ماهیت نظام اسلامی مشخص و از وظایف اصلی نظام بسط احکام اسلامی در ایران و جهان در اصول متعدد آن معین شد (قانون اساسی، ۱۳۶۸: اصول ۳ و ۱۱ و ۱۱۵۲ الی ۱۵۴). به استناد قانون اساسی یکی از وظایف مهم دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه عمل تلاش برای پیشبرد اسلام و ارزش های الهی در جهان شناخته شد. بنابراین، اصل دعوت در رفتار سیاسی دولت و روابط خارجی ایران دارای جایگاهی مهم و معتبر است.

### امام خمینی (ره) و اصل دعوت

از دیدگاه امام خمینی (ره) «دعوت به توحید» به عنوان یک اصل در روابط خارجی و سیاست برون مرزی جمهوری اسلامی ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است. این اصل بر خلاف قوانین بشری - که انسان را صرفاً به زندگی مادی دنیایی دعوت می‌کند و از زندگی همیشگی ابدی غافل می‌سازد - نه تنها در تهیه ساز و برگ زندگانی معنوی، بلکه در زندگی مادی، تمهید نظم کشور، تسهیل حیات اجتماعی و بنای تمدن دخالت دارد (امام خمینی، کشف اسرار، ۱۳۶۳: ۱۱۳ و ۳۱۲). امام خمینی (ره) با رد نظام سلطه حاکم در دنیای کنونی و اشاره به

واقعیت های محیط دعوت، با مخاطب قرار دادن مردم فراسوی مرزهای جغرافیای سیاسی ایران در قالب ملت ها و دولت ها، آنان را به نظام ارزشی اسلام دعوت می کند. ضمن اینکه تأکید ایشان بیشتر روی ملت هاست تا دولت ها، ایشان می فرمایند: «من از دولت ها باید بگویم مأیوسم. لیکن ملت ها اینطور نیست. ملت مصر یک حکم دارد و آقای سادات هم یک حکم. و همین طور سایر ملت ها نسبت به دولت ها، ما آرزوی بزرگمان این است که ملت ها این معنایی که در ایران واقع شد و دیدند آن چیزهایی که به نظرشان امکان نداشت تحقق پیدا کرد آنها هم توجه داشته باشند که غیر ممکن ها با اراده ی ملت ها اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست غیر ممکن ممکن می شود و محالها واقع» (همان، ج ۱: ۲۳۰).

امام خمینی (ره) از تطابق قول و عمل که در اسلام بر آن تأکید بسیار شده است یکی از عوامل مؤثر در موقعیت دعوت نام می برد و مسؤولان و مجریان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را توصیه می کند به اینکه: «اگر مردم را دعوت کردید به اسلام و باید هم دعوت بکنید حرف شما مخالف با عمل شما نباشد، خودتان یک وضعی نداشته باشید که وقتی بگویید مسخره کنند که آقا خودش فلان است و ما را دعوت به چه می کند» (همان، جلد ۵: ۲۶۴).

ایشان با اعتقاد به این مطلب که اجرای اصل دعوت به عنوان یکی از ضروریات فقه اسلام مستلزم ایجاد رابطه با سایر کشورهاست؛ روی فصل مشترکات کشورهای اسلامی به عنوان عوامل بستر ساز تفاهم، اینگونه تأکید می کند: «ما همه تحت لوای توحید مجتمع هستیم ... مبدا و معاد ایده ی همه است و ما این مشترکات را داریم. لازم است همه با هم ید واحد باشیم» (همان، جلد ۵: ۷۷).

رسیدن به این هدف، هم نیاز به فعالیت ها و اقدامات فرا ملی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران داشته و هم باید بسترهای داخلی در کشورهای اسلامی از طریق توجه و فراخوان مردمی برای ایجاد تغییرات اساسی و به نوعی انقلابی آماده می شد. امام خمینی (ره) با مورد خطاب قرار دادن مسلمانان و قدرت های استکباری اعلام می دارد: «من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسایل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم» (همان، جلد ۲۰: ۲۳۸).

به عنوان نمونه ای برجسته از دعوت به اسلام در زمان حیات امام خمینی (ره) می توان پیام ایشان به گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق اشاره کرد. از نظر سیاست خارجی، استفاده از فرصت تاریخی جهت ابلاغ پیام الهی اسلام، برقراری رابطه ی معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی بر اصل نه شرقی نه غربی، تأکید بر مبارزه با استکبار در اشکال و چهره های مختلف آن و با اهمیت تر از همه، دعوت به اسلام از جمله ویژگی ها و نکات برجسته ی پیام امام خمینی به گورباچف است (دهشیری، ۱۳۷۸: ۲۳۹). در این پیام امام خمینی (ره) در نقش یک داعی، گورباچف را به عنوان رهبر امپراطوری معاصر شرق مورد خطاب قرار داده است. امام خطاب به وی متذکر می شود: «باید به حقیقت روی آورد، مشکل اصلی کشور شما مسأله ی مالکیت و اقتصاد آزاد نیست؛ مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست، همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشانیده یا خواهد کشاند. مشکل شما، مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است. امام خمینی در ادامه اسلام حقیقی را به عنوان تنها درمان درد مزمن بشریت معرفی می کند: «اکنون از شما می خواهم در باره ی اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما که به جهت ارزش های والا و جهان شمول اسلام است که می تواند وسیله ی راحتی و نجات همه ملت ها باشد و گره ی مشکلات اساسی بشریت را باز کند» (صحیفه نور، جلد ۲۱: ۶۷). در مجموع پیام امام خمینی (ره) به گورباچف متضمن اصل دعوت به اسلام به عنوان تأمین کننده ی سلامت و سعادت و نجات و عزت بشریت و تمکین آگاهانه نسبت به آن است.

شوارد نادره به نیابت و نمایندگی از گورباچف پس از دریافت پیام امام خمینی در پاسخ چنین می گوید: «امام خمینی ما را به دین اسلام دعوت کرده است. این دعوت یک نحوه ی دخالت در شؤون کشور دیگر محسوب می شود؛ زیرا هر کشوری در انتخاب مکتب آزاد و مستقل است» (همان، ج ۲۱: ۲۲۰). نمونه ای دیگر از دعوت دولت اسلامی پس از فروپاشی شوروی و ظهور و تولد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بود و به دلیل ناپختگی و نا آشنایی دقیق به فرهنگ و مقولات ارزشی و هنجاری جوامع رهایی یافته از مکتب سوسیالیسم با بدبینی و رویکرد مداخله جویانه (ضمن اینکه تمام مردان این کشورها رشد یافته در دستگاه حکومتی اتحاد جماهیر شوروی که تماماً لائیک و اعتقادی به اسلام در زندگی سیاسی شان نداشتند و تمام قوانین اساسی این کشورها مبتنی بر ارزش های عرفی و جدایی دین از سیاست بنا شده است)؛ از طرف مسئولان و مردم آن جوامع، مواجه شد و باز خورد و نتیجه ای منفی به همراه داشت. می توان گفت با گذشت دو دهه از استقلال این کشورها و فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مرام و مسلک های ناکارآمد سوسیالیستی و بازگشت آرام آرام

جامعه به ارزش های اسلامی، امروزه بستر های بسیار بهتر و مطلوب تر برای بسط و دفاع از احکام توحیدی در بین ملت ها مهیا و فراهم شده است. رحمان رئیس جمهور تاجیکستان در سفر خود به ایران به منظور حضور در اجلاس کشور های فارسی زبان اعلام داشت: تاجیکستان یک کشور اسلامی است، مردم ما مسلمانند و مرام و مسلک های بیگانگان در این کشور جایگاهی ندارد (روزنامه اطلاعات، مورخ: ۱۳۸۹/۵/۱۶).

راهبرد دعوت در اندیشه و رفتار سیاسی دولتمردان ایران پس از شکل گیری جمهوری اسلامی در سخنان رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله خامنه ای در چهل و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ می توان به وضوح مشاهده کرد. ایشان تمام نمایندگان دولت های خارجی حاضر در آن نشست را به شناخت اندیشه الهی و جهان بینی توحیدی اسلام دعوت می کند و اظهار می دارد: همه چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می سازد و آن را بر اداره مطلوب خود قادر می کند... همه و همه از این جهان بینی الهی، ریشه و مایه می گیرد و منشعب می شود. در اندیشه الهی اسلام، همه هستی آفریده خدا و جلوه گاه علم و قدرت او و پوینده به سوی اوست، و انسان برترین آفریده و جانشین او... چراغ هدایت بشر، ایمان او به خدا و تسلیم او در برابر امر و نهی او. در اندیشه الهی اسلام، دین خدا، قالب و شکل زندگی بشر است و نه تنها گوهری بر تارک آن (www.asriran.com).

پس از پایان دوره ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای و انتخاب هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور، ایشان در مدت ریاست جمهوری خویش هیچگاه در سازمان ملل حضور نیافت؛ اگر چه عملکرد او در دوره ریاست جمهوری نشان از تلاش برای بسط ارزش های اسلامی از جمله اصل دعوت در جهان با نگاه خاص خود بوده است. در دوره ریاست جمهوری خاتمی نیز اصل دعوت به اسلام و ارزش های اسلامی چندان مورد توجه نبود. تنها نکته ای که در این دوره می توان گفت مربوط به سال ۱۳۷۷ مجمع عمومی است که فقط به این نکته اشاره کرد: «اجازه می خواهم از زبان انسانی سخن بگویم که از شرق، از خاستگاه تمدن های درخشان و از مهد پرورش پیامبران والا مقام الهی: ابراهیم، موسی، عیسی و محمد آمده است. من از ایران سرفراز آمده ام به نمایندگی از ملتی بزرگ و پرآوازه که از ده ها قرن پیش، صاحب تمدن بوده و پس از پذیرش آیین اسلام، در تأسیس و بسط تمدن اسلامی نقش ممتاز داشته است» (www.aftab.ir).

اما در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، راهبرد اصل دعوت مجدداً به عنوان رکن مهم دیپلماسی ایران در مجامع بین المللی و نشست های مجمع عمومی به شمار می آید. او در شصت و چهارمین نشست مجمع عمومی اعلام داشت: رمز و راز همه مشکلات جامعه جهانی، دور شدن عده ای از حاکمان از اخلاق، ارزش های انسانی و تعلیمات انبیاء الهی



است. پیامبران الهی و صالحان آمده اند تا حقیقت انسانی و مسئولیت های فردی و اجتماعی انسان را در برابرش قرار دهند. پاکی، ایمان ذلال به خدای یکتا و به حساب و کتاب اخروی و اجرای عدالت در دو جهان... تنها راه نجات، برگشت به توحید و عدالت است... بدون ایمان به خداوند و تعهد به اجرای عدالت و مقابله با بی عدالتی و تبعیض، نظام عالم، سامان پیدا نخواهد کرد. سرنوشت وعده داده شده الهی برای بشر، برپایی حیات طیبه انسانی است. آنگاه است که راه کمال معنوی انسان گشوده و سیر او به سوی خدایی شدن و تجلی اسماع الهی محقق میشود. وی در سال هشتاد و هشت نیز در سخنان خود با دعوت دولت مردان سراسر گیتی به ارزش های توحیدی جهت رهایی بشر از مشکلات فرا رو و گرفتار در آن، را مطرح کرد. وی بیان داشت: خدای متعال جهان را هدفمند خلق کرده است... همه با هم در یک نظم پیچیده و هدفدار بستر شکوفایی انسان را فراهم می کنند و هر یک نشانی از نشانه های خداوند بزرگ هستند. هم مخلوقند و او، خالق و حاکم اصلی بر جهان است. همه وجود از جمله، قدرت ها، علم ها و ثروت ها از اوست. هرکس دعوت حق را اجابت نکند خدا را در زمین ناتوان نمی کند و برای او یاورانی جز خدا نخواهد بود و او در گمراهی آشکار است (احقاف، آیه ۳۲) (www.aftab.ir). او با دعوت حاکمان جهان به پذیرش حاکمیت خداوند بر سرنوشت انسان و جهان در این سرای و جهان آخرت و باز آفرینی رفتار عادلانه منبعث از فرمان الهی به پیامبرانش در میان اعضاء سازمان ملل به دنبال زیرسئوال بردن دیپلماسی مبتنی بر قدرت و زور آمریکا، انگلیس و اروپا طی این دوره، و همچنین تشریح و توجیه رفتار سیاسی ایران نسبت به مسلمانان و سایر دولت ها در دستگاه دیپلماسی کشور است.

اگر چه سیاست قدرت در جهان معاصر اصلی قابل قبول و پذیرفته شده در روابط خارجی کشورهای جهان است و اجتناب از آن امروز برای دولت ها غیر ممکن و غیر عملی است؛ اما به اعتقاد دولتمردان ایران رسالت و وظیفه آنان بیان، تبلیغ، حمایت و هدایت دولت ها به سمت و سوی ارزش های الهی از وظایف اصلی حاکمان جمهوری اسلامی، دستگاه سیاست خارجی و از اصول لایتغیر دیپلماسی آن از ابتدای انقلاب تاکنون بوده به گونه ای که تغییر این رویه و رفتار سیاسی معادل با تغییر ماهیت نظام و ارزش های توحیدی آن است. به نظر می رسد مؤلفه های راهبرد دعوت منبعث و سازنده چهارچوب فکری و هندسه ذهنی دولتمردان اسلامی ایران معطوف و منوط به توحید محوری دیپلماسی ایران و معرفی به جهانیان نبوده است؛ بلکه عناصر و ارزش های فرا آمده از اصل توحید است که می تواند انسان، جامعه و جهان ساز باشد. بنابراین، نخبگان حاکم جمهوری اسلامی در مواضع سیاسی و جهانی خود به این اصول پایدار توجه و تأکیدی خاص مبذول می دارند؛ اصول و مؤلفه هایی مانند عدالت، مهدویت، مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه با زورگویی، و رژیم

صهیونیستی، اعتراض نسبت به ساختار سازمان ملل و حق وتوی شورای امنیت و... نیز می‌توان بخشی از راهبرد دعوت در دستگاه دیپلماسی و روابط خارجی ایران بر شمرد که در طول این سه دهه جهت تحقق آن پیوسته کوشا بوده‌اند. آیت الله خامنه‌ای نیز پس از رجایی دومین شخصیت سیاسی ایران است که همه ملت‌ها و دولت‌ها به اصل عدالت دعوت می‌کند. ایشان تصریح می‌کند: آنها، (پیامبران) همچنین به او آموختند که بازوی خود را برای حراست از این ارزش‌ها نیرومند کند، و راه را بر شیطان‌های شر و فساد و انحطاط‌آفرین ببندد، با جهل و ظلم و استبداد به ستیزد و از علم و عدل و آزادی، پاسداری کند. بدو آموختند که باید نه ستم کند و نه ستم پذیرد. باید برای اجرای قسط و عدل قیام کند و باید به راهزنان صلاح و فلاح انسان امان ندهد. تسلیم در برابر دشمنان فضیلت و عدالت و صلاح، رضا دادن به نابودی این ارزش‌ها و قبول رذیلت و ظلم و فساد است. اما به نظر ما، عدالت - واژه‌ای که زورمندان و متجاوزان همواره با ترس و احتیاط به آن می‌نگرند. ای بسا مظلومانی که زندگی را و رفاه را و صلح را به خاطر رسیدن به عدالت فدا کرده‌اند. او دیدگاه انتقادی خود را نسبت به شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر ناکارآمدی این نهاد بین‌المللی و دعوت به انجام وظیفه حقوقی خود نه مواضع سیاسی جانب‌دارانه بلوک قدرت‌ها دعوت می‌نماید ایشان تصریح می‌نمایند: اما سؤالی که هیچ پاسخ قانع‌کننده برای آن نمی‌توان یافت این است که چرا شورای امنیت سازمان ملل - ارگانی که اساساً برای مقابله با تجاوز و تأمین امنیت بین‌المللی به وجود آمده، در قبال این تجاوز بکلی وظیفه خود را از یاد برد و حتی ضد آن عمل کرد. خوب است همه بدانند که شورای امنیت در شروع حمله عراق که در جبهه‌ای به عرض هزار کیلومتر واقع شد هیچ عکس‌العملی نشان نداد. این اولین اقدام شورای امنیت بود که در آن، وظایف اصلی شورا یعنی نگاهبانی از صلح و امنیت بین‌المللی، به شکل زشت و تأسف‌انگیزی به وسیله خود آن شورا پایمال می‌شد! پس از آن شورای امنیت را سکوتی مرگبار فرا گرفت... آیا شورای امنیت برای تخلف از اولین وظیفه خود یعنی مقابله با تجاوز - که در ماده اول منشور از همه هدف‌های دیگر ارجح شمرده شده - استدلالی دارد؟ آیا برای مقابله با "تهدید صلح" و "نقض صلح" و "توسل به زور" «مفاد مواد فصل هفتم» چقدر عراق را تحت فشار گذارده است؟ ( <http://www.asriran.com> ).

محمود احمدی‌نژاد، قربانی شدن عدالت بوسیله نظام سلطه را عاملی مهم در ایجاد عدم امنیت پایدار در جهان می‌داند و جهانیان را به عدالت و برابری برآمده از ادیان الهی دعوت می‌کند. او تأکید می‌کند: حاکمانی که قلب آنان به عشق انسان‌ها نمی‌تپد و در وجود خود اندیشه عدالت را قربانی کرده‌اند هرگز نمی‌توانند صلح و دوستی را به بشر هدیه کنند. تنها راه نجات، برگشت به توحید و عدالت است و این بزرگترین امید و فرصت در همه عصرها و

نسلهاست. بدون ایمان به خداوند و تعهد به اجرای عدالت و مقابله با بی عدالتی و تبعیض، نظام عالم، سامان پیدا نخواهد کرد. همان حقیقتی که خواستار عدالت، پاکی و عشق و علم و همه کمالات دیگر است. ایشان دست یابی ملل جهان به صلحی پایدار را در سایه ظهور حضرت مهدی منجی عالم بشریت در ادیان توحیدی می پندارد و دولت مردان را به برپایی حکومت صالح و در انتظار به آن روز دعوت می نماید ایشان بیان می دارد: اینها همه در سایه حاکمیت انسان کامل، آخرین ذخیره خداوند، فرزندى از نسل پیامبر گرامی اسلام یعنی حضرت مهدی (علیه السلام) محقق خواهد شد که خواهد آمد و حضرت مسیح ابن مریم (علیهما السلام) و انسان های صالح دیگر نیز او را در این مأموریت بزرگ جهانی همراهی خواهند فرمود و این همان اندیشه انتظار است. انتظار حاکمیت خوبی ها و حکومت صالح که اندیشه جهانی و فطری و مایه امید ملت ها به اصلاح جهان است. آنها خواهند آمد و با کمک انسان های مومن و صالح همه آرزوهای تاریخی بشر برای آزادی، کمال، رشد، امنیت و آرامش، صلح و زیبایی را به همراه خواهند آورد. خواهند آمد تا بساط جنگ و تجاوز را برچینند و همه علم و معنویت و دوستی را به جهان هدیه کنند (همان، ۱۳۸۹: ۳).

دعوت از دولت ها برای اصلاح ساختار سازمان ملل که یکی از اهداف کلان و ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در سیاستهای کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است، در همین چارچوب قابل تحلیل و بررسی است. امروز یکی از مشکلاتی که جهان اسلام با آن مواجه است تحقق اندیشه های صهیونیستی در قالب تشکیل دولت اسرائیل است. موضوع صهیونیسم به معضلی برای کشورهای اسلامی تبدیل شده و لزوم مقابله با این پدیده و حمایت از مبارزات مردم فلسطین به آرمائی برای ملت های اسلامی مبدل شده است. اگر چه حرکت ها و مبارزات مردم فلسطین نمادی از مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیست ها بود؛ ولی آنچه که تسریع بخش و تشدید کننده مبارزات فلسطینیان می باشد، انقلاب اسلامی ایران بود (مولانا، ۱۳۸۷: ۱۶۸). به نظر می رسد یکی از اقدامات مؤثر جمهوری اسلامی ایران از قبل از شکل گیری تاکنون دفاع از ملت بی دفاع و مسلمان فلسطین و دعوت جهانیان به شناخت ماهیت غیر مشروع و غیرحقوقی رژیم صهیونیستی اسرائیل است. این دیدگاه انتقادی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۹ش و با حضور محمد علی رجایی در مجمع عمومی سازمان ملل و طرح دیدگاه های ایران حول ماهیت اسرائیل تاکنون ۱۳۹۱/ به عنوان یک اصل پایدار در دیپلماسی ایران در همه سخنرانی ها مواضع رسمی ارائه شده موجود است. امام خمینی (ره) قبل از وقوع انقلاب به کرات خطر تشکیل دولت اسرائیل را گوشزد کرد و در این خصوص اعلام داشتند: با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین آواره کننده بیش از یک میلیون مسلم بی پناه، پیمان برادری ننبدید، عواطف مسلمین را جریحه

دار نکنید، اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید. تسلیم خواسته های دولت پوشالی اسرائیل و به خطر انداختن اقتصاد مملکت، سند ضعف و نوکری است و سند خیانت به اسلام و مسلمین است (صحیفه نور، جلد ۱، نامه به هویدا، ۱۳۴۶: ۱۳۳).

آیت الله خامنه ای نیز نظری در راستای نظر امام خمینی (ره) دارد. او می گوید: فلسطین متعلق به فلسطینیان است و حکومت صهیونیستی یک دولت غاصب و دروغین است. سرزمین اشغال شده فلسطین هیچ شهروند حقیقی جز مردم بومی فلسطین ندارد و به همت ملت های مسلمان سرانجام صهیونیست ها روزی مجبور خواهند شد فلسطین را به صاحبان اصلی آن بازگردانند و فرار سیدن آن روز حتمی و تخلف ناپذیر است (<http://www.asriran.com>).

احمدی نژاد نیز دیدگاه انتقادی خویش را نسبت به ظلم و تعدی و تجاوز رژیم اشغالگر قدس و دعوت دولتمردان به شناخت و علل شکل گیری این کشور اظهار می دارد: بیش از شصت سال سرزمین فلسطین به عنوان جبران خسارتی که در جنگ در سرزمین اروپا دیده اند در اشغال رژیم غیر قانونی صهیونیستی است، مردم آن آواره و یا تحت فشارهای سنگین نظامی و تحریم های اقتصادی و یا در زندانهای مخوفند. اشغالگران حمایت و تمجید می شوند و مردم مظلوم مورد هجوم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی قرار می گیرند. وی حاکمان و ملل جهان را به درک واقعیت ها و ظلم وارده بر ملت فلسطین قدرت های بزرگ و جریانات تروریستی اسرائیل را یک بار دیگر متذکر می شود ایشان اعلام می دارد: به جرم آزادی خواهی آب و برق و دارو را بر مردم فلسطینی و در شهر و دیار خودشان می بندند و با دولت بر آمده از رای آنها مخالفت می کنند (<http://www.president.ir/fa>).

با مطالعه رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه حیات آن در می یابیم که اصل دعوت از اهداف میان مدت و بلند مدت دستگاه دیپلماسی و به تبع نخبگان دینی و سیاسی ایران بوده است؛ هر چند دست یافتن به چنین اهداف و آرمان های متعالی مستلزم ابزار و امکانات و قدرتی بس عظیم و حجمی همسو از قدرت دولت های اسلامی جهت عملی ساختن آن است. اما دولتمردان ایران و دستگاه سیاست خارجی آن براساس اندیشه اسلامی و به استناد قانون اساسی خود را مأمور به وظیفه می داند تا حصول و دست یافتن به نتیجه مشخص و مبرهن. به همین دلیل رسالت دعوت و تبلیغ ارزش های الهی و انسانی آن، همواره یکی از اصول ثابت رفتار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می شود.

به طور کلی دو دیدگاه در بین مدیران کلان سیاسی و سیاست خارجی ایران در خصوص اصل دعوت و شیوه ترویج و انتقال آن به ملل وجود دارد: عده ای از آنان به نقش ترویجی دعوت اعتقاد دارند؛ بدین معنا که سایر ملل و دول به پذیرش اسلام و ارزش های الهی آن فرا

خوانده شوند به گونه ای که رابطه ی مبلغ و پیام گیرنده، رابطه آمر و مأمور باشد. گروهی دیگر به نقش تبیینی دعوت عقیده دارند. به این معنا که افکار، آراء و اندیشه های خود را در معرض افکار عمومی بین المللی قرار دهند تا از این رهگذر به دیدگاه ها و رویکرد های مملکت اسلامی پی ببرند. در مفهوم اخیر دعوت به مفهوم تشریح و توضیح اعتقادات، باور ها و ارزش های کشور مسلمان برای شناساندن ابعاد حرکت اسلامی است. در این خصوص امام خمینی (ره) به قاعده تدرج اعتقاد داشتند. بدین معنا که ابتدا باید به تبیین عقاید و سپس به ترویج آن اهتمام کرد. البته ترویج عقاید به معنای لشکر کشی، جنگ طلبی، زور آزمائی و یا صدور انقلاب اسلامی با سر نیزه نیست؛ بلکه به معنای شناساندن معنوی، فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی به جهانیان است. به عبارت دیگر با شناساندن مظلومیت ملت اسلامی ایران، روحیه ی ظلم ستیزی، مقابله با استکبار، استعمار، آزادگی و آزادیخواهی آن به افکار عمومی بین المللی معرفی شود تا شیوه های جاذبه ای و مسالمت آمیز انقلاب اسلامی و نه شیوه های دافعه ای و قهر آمیز آن انتشار یابد (دهشیری، ۱۳۷۸: ۲۸۹). گفتمان های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را طی سه دهه ی گذشته در خصوص اصل دعوت می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد: دهه ی اول انقلاب مخصوصاً از سال های ۱۳۶۸-۱۳۶۰، سیاست خارجی ایران بر اساس آموزه ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان ها و ارزش های اسلامی تنظیم می شد و سیاست تماس ملت ها به جای دولت ها در دستور کار کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. در این دهه، انقلاب اسلامی به عنوان نیروی بر هم زننده ی نظم جهانی قرین به توفیق بود؛ اما این نقش اشکالاتی نیز برای بازیگران عرصه ی روابط بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در بر داشت. در سطح منطقه نیز از سوی بسیاری از کشورها ایران به عنوان خطری بالقوه و تهدید کننده ی امنیت منطقه (خلیج فارس) تلقی می شد. در نتیجه کشور های زیادی بالاخص در حاشیه خلیج فارس که خود را آسیب پذیرتر می دیدند در مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران با احتیاط برخورد می کردند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با پانزده کشور اسلامی همسایه است که بسیاری از این کشور ها، ضعیف و در حال زوال و بعضی از آنها «کشور های جنوبی منطقه خلیج فارس» از نظر امنیتی بسیار وابسته، نگران و فاقد مشروعیت سیاسی و هویت اجتماعی لازم هستند. تمام این جوامع مسلمان و به شدت نگران از وحدت مسلمانان و تشکیل امت اسلامی اند (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۷۱-۸۲). این دوره اگرچه جمهوری اسلامی موفق شد بسیاری از مؤلفه های دعوت را به درون جوامع مسلمان و جهان سوم به عنوان نمادهای ارزشی وارد کند؛ اما به نظر می رسد حصول به تمام نتایج والا در کوتاه مدت برای دستگاه دیپلماسی کشور با توجه به شرایط منطقه ای و بین المللی و نقش و نفوذ قدرت های فرا منطقه ای بسیار مشکل بوده است. دهه

دوم انقلاب، جمهوری اسلامی ایران به جای سیاست دعوت ملت ها به پذیرش آرمان های انقلاب اسلامی، سیاست همکاری و ارتباط مستقیم با دولت ها را سرلوحه فعالیت های سیاست خارجی خویش قرار داد. ارتباط با جهان اسلام و همسایگان، گفتگو با دولتمردان و ارتقای سطح مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، برآیند چنین دیدگاهی است. به نظر می آید در نگرش اخیر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برخی توفیق و توانمندی ها را نصیب کشور ساخت متنها با مشکلات و چالش هایی نیز روبرو بود. دهه سوم انقلاب رفتار سیاسی دولت مردان ایران و دستگاه دیپلماسی آن کاملاً متفاوت با دهه پیشین در حال حرکت است و به نظر می رسد این دهه برخی شباهت ها با دهه اول انقلاب مخصوصاً سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ را تداعی می کند؛ اما از بسیاری جهات نیز دارای تفاوت های اساسی است. همچنین دوره ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای که بیشتر نگرش بین المللی و منطقه ای محور در دستگاه دیپلماسی ایران حاکم بود؛ دستگاه دیپلماسی کشور موفق شده بود برغم وجود جنگ و مبارزه ای گسترده با دو بلوک غرب و شرق و اختصاص بخشی عمده از وقت سیاست خارجی کشور به آن، بسیاری از مؤلفه های دعوت را در دیپلماسی جمهوری اسلامی به کار بندد و موفقیت های زیادی نیز میان ملل کسب کند. اما این نگرش دو دوره بعد تداوم نیافت و رویکرد درون محور و تدافعی دوره هاشمی رفسنجانی و نگرش هنجاری خاتمی که رویکرد غالب سیاست خارجی ایران در این دوره جایگزین آن شد از حیث راهبرد دعوت و بسط آن دچار تنگناها و تحدیدات عدیده شد.

### تبلیغات و سیاست خارجی ایران

در جهان امروز و دیپلماسی نوین، حکومت ها به جای واژه دعوت که اصل مشترک میان همه ادیان الهی است؛ واژه «تبلیغ» و گاهی «ترویج» استفاده می کنند که حالت تهاجم را تداعی می کند. در واژه نامه های غربی تبلیغ به معنای نشر عقاید، اطلاعات، یا شایعات به منظور کمک کردن یا لطمه زدن به شناخت و عقاید دیگران جهت پیشبرد هدف های مشخص یا عقیم ساختن پیشرفت هدف های دیگر آمده است (Ayoob, 1995 p.:۲۳۰). اما در اندیشه اسلامی تبلیغات، معنایی دیگر از آن برمی خیزد. همانطور که اصلاح امور جامعه اسلامی با اعمال اصل امر به معروف و نهی از منکر میسر است طبعاً اصلاح جامعه بشری نیز باید با اصل تبلیغات (دعوت) آغاز شود؛ بنابراین با تبلیغ درست از ملت ها و دولت مردان آنان به اصلاح و توصیه به اعمال نیک و گرایش به سوی حق تعالی جزئی از اهداف و وظایف مجریان سیاست خارجی است. این تکلیف دینی و سیاسی برای مسلمانان و دولت های اسلامی است. بدین جهت، امام خمینی (ره) تأکید بسیار بر امر تبلیغات خارجی و صدور انقلاب داشتند تا بدین

وسیله اصل دعوت در پناه تبلیغات تسهیل شود. ایشان درباره معنای تبلیغات می فرماید: تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز از آن است، از اصول مهم اسلام است. دعوت در شرایط کنونی می تواند دو دسته مخاطب داشته باشد: مسلمین و غیر مسلمین، امروز اولین آماجهای دعوت مسلمین هستند که در غفلت و ناآگاهی یا در سلطه سران وابسته یا ملی گرا و در هر حال تحت سلطه نظام کنونی حاکم بر جهان به سر می برند. برای اینها امر دعوت در معنا و مفهوم قالب متفاوت با دعوتی انجام می شود که مخاطبان آن غیر مسلمین هستند. محور دعوت مسلمین این است که اولاً: شوق بازگشت به اسلام را با تشکیل حکومت اسلامی و حرکت از وضعیت کنونی به سمت وضعیت اسلامی زنده کند؛ و ثانیاً راههای تحقق عملی این آرزو را بیاموزد. یکی از دست آورد های مهم تبلیغات برای جمهوری اسلامی بهره جستن از آن جهت صدور انقلاب بوده است. به نظر می رسد ایران در این بستر بخصوص در قلمرو جهان اسلام موفق بوده و توانسته است اسلام را به عنوان یک مکتب پویا که می تواند پاسخی مطلوب به زندگی و نیازهای انسان بدهد به شکلی مفید و عقلانی ارائه دهد. امام خمینی (ره) حول صدور انقلاب اظهار می دارد: « مایی که می خواهیم اسلام در همه جا باشد، می خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی گوئیم می خواهیم با سر نیزه صادر بکنیم. ما می خواهیم با دعوت به همه جا، اسلام را صادر کنیم. باید دولت های منطقه این مطلب را بفهمند که اگر چنانچه با اسلام آشنا شوند و با ایران دست برادری بدهند ایران می تواند آنها را از شر همه قدرت ها نجات بدهد و آنها دیگر خوف این که دیگر ما چه بکنیم آمریکا چه می کند نداشته باشند» (همان، جلد ۱۸: ۹۱).

ناگفته پیداست که در دهه اول انقلاب مسأله صدور انقلاب از طریق تبلیغات به مثابه هدف مرکزی انقلابیون که پس از حدود سی ماه دستگاه دیپلماسی دولت انقلابی را تصاحب کرده بودند در سایه پیروی از اصل دعوت، در سطح جهان اسلام مورد توجه قرار گرفت. امام خمینی (ره) رسماً به جهانیان اعلام می دارد: « ما انقلاب را به تمام جهان صادر می کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله بر تمام جان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه است در هر کجای جهان علیه مستکبرین ما هستیم» (صحیفه نور، جلد ۴: ۲۶۶).

به نظر می رسد در نظام جمهوری اسلامی بسیاری از اصول و ارزش های توحیدی که در قانون اساسی نیز به آن تأکید شده است، تبلیغ و ترویج آن در دستور کار دولت مردان و دستگاه دیپلماسی آن قرار دارد؛ ممکن است در دوره هایی کم رنگ تر شود اما به نظر نمی رسد بتوان آن را در کوتاه مدت یا میان مدت حذف یا به حاشیه راند. به همین منظور، سازمان ارتباطات اسلامی که در دهه شصت در کشور شکل گرفت؛ در کنار دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشتر در رسالت اسلامی برون مرزی (عمدتاً تبلیغات اسلامی) نقش آفرین است

و رسالت سیاسی و فرهنگی خود را تلاش جهت بسط ارزش های اسلامی در جوامع مسلمان و غیر مسلمان می داند.

### نتیجه

اصل دعوت از اصول اولیه و بنیادین دیپلماسی و رفتارسیاسی دولت اسلامی است. به بیان دیگر پایه و ستون اساسی دیپلماسی اسلامی را اصل دعوت تشکیل می دهد. به همین سبب، این اصل با مفهوم خاص قرآنی خود از جمله اصولی ترین و پایدارترین راهبردهای پیامبر اکرم (ص) و جانشینان او در روابط و مناسبات فرهنگی و سیاسی جوامع و دول مختلف عصر خود است. دعوت خلق به سوی الله نخستین و ضروری ترین وظیفه ای است که همه ادیان الهی در تمام شرایط مکانی و زمانی به عنوان زیر بنای رسالت انبیاء به شمار می رود. محور اصلی پیامهای پیامبر اسلام به رؤسای قبایل و سران حکومت ها و امپراطوریهای دعوت به اسلام و بسترسازی برای گسترش هرچه بیشتر این آیین آسمانی و آشنا کردن جهانیان با شیوه زندگی نو همراه با معنویت و ارزش های والای انسانی بوده است. هر کدام از این پیام ها حاوی اختصاصات و ویژگیهایی منحصر به فرد از جمله خدا محوری، انسان نگری، جهانی اندیشی و رسالت جهانی اسلام بود که دیپلماسی و رفتار سیاسی حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی باید حامل چنین اصول، قواعد و ارزش هایی دور اندیشانه برای پیشبرد اهداف و برنامه های خود باشد. یکی از اهداف و وظایف مهم دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه عمل تلاش برای معرفی اسلام و پیشبرد اهداف و ارزش های آن در جهان کنونی بوده است. بنابراین، اصل دعوت در رفتار سیاسی دولتمردان و روابط خارجی ایران دارای جایگاهی وثیق است.

از نگاه امام خمینی (ره) دعوت به توحید به عنوان یک اصل، در روابط خارجی و سیاست برون مرزی جمهوری اسلامی ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است. این اصل بر خلاف قوانین بشری - که انسان را صرفاً به زندگی مادی دنیوی دعوت می کند و از زندگی همیشگی ابدی غافل می سازد - نه تنها در تهیه ساز و برگ زندگانی معنوی، بلکه در زندگی مادی، تمهید نظم کشور، تسهیل حیات اجتماعی و بنای تمدن دخالت دارد. به عنوان نمونه ای برجسته از دعوت به اسلام در زمان حیات امام خمینی (ره) می توان پیام ایشان به گورباچف آخرین رهبر اتحاد شوروی سابق اشاره کرد. از نظر سیاست خارجی، استفاده از یک فرصت تاریخی در جهت ابلاغ پیام اسلام، برقراری رابطه ی معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی بر اصل نه شرقی نه غربی، تأکید بر مبارزه با استکبار در اشکال و چهره های مختلف آن و با اهمیت تر از همه،



دعوت به اسلام و ارزش های پایدار آن از جمله ویژگیهای برجسته ی امام خمینی (ره) در طول حیات سیاسی ایشان در برابر دولت مردان و ملل جهان بود.

به اعتقاد دولتمردان ایران بیان، تبلیغ، حمایت و هدایت دولت ها به سمت و سوی ارزش های الهی از وظایف اصلی حاکمان جمهوری اسلامی، دستگاه سیاست خارجی و از اصول لایتغیر دیپلماسی آن از ابتدای انقلاب تاکنون بوده است. حتی اگر در این راه با هزینه های فراوان و عدم توفیق نیز روبرو باشند. به نظر می رسد راهبرد دعوت منبعث و سازنده چهارچوب فکری و هندسه ذهنی دولتمردان اسلامی ایران تنها معطوف و منوط به شناخت توحید و معرفی آن به جهانیان نبوده است؛ بلکه عناصر و ارزش های فرا آمده از اصل توحید مانند عدالت، نفی سبیل، مبارزه با ظلم و ستم، مهدویت و ... که می تواند در ایجاد نظامی آرمانی مبتنی بر ارزش های الهی و اسلامی در جهان منتهی شود نیز مورد توجه و برنامه ریزی و اقدامات سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران بوده است. مؤلفه های مزبور را نیز می توان بخشی از راهبرد دعوت در دستگاه دیپلماسی و روابط خارجی ایران بر شمرد که در مواضع سیاسی و جهانی خود به این اصول پایدار توجه و تأکیدی خاص مبذول داشته اند و بطور مدام در دستور و عمل سیاسی دولت مردان و اقدامات دیپلماتیک قرار دارد.

## منابع و مأخذ:

### الف. فارسی:

- ۱ - حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۷)، میانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: سمت.
- ۲ - ..... (۱۳۷۶)، مسئولیت های فراملی دولت اسلامی، تهران: مطالعات راهبرد.
- ۳ - خمینی روح ا... (۱۳۸۰)، صحیفه نور، جلد ۲۰ الی ۳۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴ - ..... (۱۳۶۰)، کشف الاسرار، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۵ - دهشیری، محمد رضا. (۱۳۷۸)، مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۶ - دهقانی فیروز آبادی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- ۷ - شکوری، ابوالفضل. (۱۳۶۷)، فقه سیاسی اسلام، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸ - عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۷)، فقه سیاسی اسلام، تهران: امیرکبیر.
- ۹ - ..... (۱۳۸۰)، میانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- ۱۰ - عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۹)، فقه سیاسی حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت.
- ۱۱ - ..... (۱۳۷۶)، مسئولیت های فرامرزی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.
- ۱۲ - غفوری، محمد. (۱۳۸۷)، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر، تهران: مهاجر.
- ۱۳ - فیرحی، داوود. (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
- ۱۴ - قادری، حاتم. (۱۳۸۲)، اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، سمت.
- ۱۵ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸)، تهران: میزان.
- ۱۶ - کاظمی، اخوان بهرام. (۱۳۸۱)، عدالت در نظام سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۷ - متری، فوزی. (۱۳۶۶)، سیاست در فلسفه سیاسی اسلام، تهران: معارف.

- ۱۸ - مسجد جامعی، محمد. (۱۳۶۵). *زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- ۱۹ - مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۵). *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۲۰ - محمدی، منوچهر. (۱۳۷۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسایل*. تهران: داد گستر.
- ۲۱ - \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷). *عدل الهی*. تهران: صدرا.
- ۲۲ - مولانا، سیدحمید. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی دولت احمدی نژاد*. تهران: دادگستر.
- ۲۳ - نخعی، هادی. (۱۳۷۶). *توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۲۴ - واعظی، احمد. (۱۳۷۸). *حکومت دینی*. تهران: اسرا.
- ۲۵ - ولایتی، علی اکبر. (۱۳۷۶). *دیدگاههای جهانی ج ۱*. ایران سخنرانی در چهل و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۲۶ - لی پور زرومی، سید حسین. (۱۳۸۳). *گفتمان های امنیت ملی در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

#### ب. خارجی:

- 1 - Khadduri, M. (1955), *War and Peace in the Law*. Islam Baltimore the johans Hopkins press.
- 2 - Mohammad Ayoob. (1995), *The Third world security*, rinner publisher.
- 3 - R.K ramazany. (1992), *Irans Foreign Policy both North and South Middle East*.
- 4-Amir Arjomand,S(1991), *"The A Victory For Pragmatists", in Islamic Fundamentalism*(ed.)James Piscatori, Chicago:The american Academy of Arts and Science.
- 5- Ezzati,A(2002),*"The Spread Of Islam The Contributing Factors"*, London:Islamic College For Advanced Studies Press.
- 6- Hunter, Shireen.(1988),*"The Politics of Islamic Revivalism Diversity and Unity"*, Washington, D. C:The Center Of Strategic International Studies.and.
- 7-Leiden,E(1965),*"The Encyclopedia of Islam"* London:Brill.
- 8-Racius,Egdunas.(2004),*" The Multiple Nature of The Islamic. DA'WA "*, University of Helsinki"Faculty of Arts.
- 9-<http://www.en.wikipedia.org/wiki/dawah>.
- 10-<http://www.abadgaran.ir>.